



شرایط حاکم بر صحت معاملات  
در معامله کالای قاچاق

مینا مهاجر\*، میترا حسینیان\*\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

\* دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه تهران، وکیل دادگستری

\*\* استادیار دانشگاه ارشد دماوند و دکترای حقوق تطبیقی، وکیل دادگستری

## چکیده

موضوع هر قرارداد و نیز شرایط و تعهداتی که طرفین یک قرارداد برای خود تعیین می‌کنند، قانون حاکم بر قراردادها را معین می‌نماید، بنابراین لازم است در تنظیم قراردادها به قانون مدنی که مرجع اصلی تعیین کننده شرایط صحت قرارداد است و سپس به سایر قوانین در رابطه با موضوع معامله مراجعه شود. ماده ۱۹۰ قانون مدنی قواعد عمومی حاکم بر صحت معاملات را بیان نموده است. این مقاله به بررسی جنبه‌های حقوقی معامله کالای قاچاق از لحاظ صحت، بطلان و یا نفوذ و عدم نفوذ و تأثیر جنبه جزایی معاملات مزبور بر جنبه‌های حقوقی آن می‌پردازد.

**واژه‌های کلیدی:** صحت معامله، کالای قاچاق، مشروعیت جهت معامله، بطلان

## مقدمه

زندگی و روابط اجتماعی از لحاظ کمی و کیفی تغییرات بسیار زیادی کرده و متحول گردیده، نیازمندی‌های افراد رو به افزایش است. احتیاج امروز افراد به حقوق و دانستن قواعد و اصول آن بیش از گذشته احساس می‌شود و حقوق باید جوابگوی نیازهای روز جامعه باشد.

تنظیم روابط اجتماعی اشخاص بر اساس گرایش‌های عدالت خواهانه که ریشه در نهاد انسان دارد ضرورتی انکار ناپذیر برای تأمین بقای جامعه و شکوفایی استعدادهاست، این ضرورت به نوبه خود احترام اشخاص را نسبت به آنچه در برابر دیگران تعهد نموده‌اند به عنوان یک اصل حقوقی و نیز حمایت و پشتیبانی جامعه را نسبت به آن لازم‌الوفاء و غیرقابل اجتناب می‌سازد.

قانونگذار نیز باید به حاکمیت اراده طرفین احترام بگذارد و دخالت نکند. البته اگر قرارداد به نظم عمومی و امنیت اقتصادی لطمه و خسارت وارد کند می تواند مداخله نماید.

در هر نظام حقوقی با توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه یعنی نظم عمومی و اخلاق حسنه اموری نامشروع قلمداد می‌شود که خلاف قانون و شرع است. یکی از این موارد معامله کالای قاچاق به حساب می‌آید که بدلیل آثار سویی که در اقتصاد جامعه می‌گذارد جرم‌انگاری شده است. در این مقاله ابتدا شرایط حاکم بر صحت معاملات و سپس به کالای قاچاق و معاملات ناشی از آن پرداخته و قانون حاکم بر این نوع معامله‌ها بررسی گردیده است.

### شرایط صحت معامله

ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱. قصد طرفین و رضای آنها
  ۲. اهلیت طرفین
  ۳. موضوع معین که مورد معامله باشد
  ۴. مشروعیت جهت معامله
- اگر شرایط فوق جمع باشد معامله دارای آثار حقوقی می باشد و الا ممکن است باطل یا غیرنافذ گردد.

۱) **قصد طرفین و رضای آنها:** منظور از قصد، قصد انشاء یا اراده ایجاد عقد است هرچند قصد و رضا با هم در بند (۱) ماده ۱۹۰ ق.م. ذکر شده ولیکن در ماهیت یکی نمی‌باشند.<sup>(۱)</sup>

انسان در اثر تحریکات اعصاب دماغی گاه امری را تصور می‌کند سپس میل به داشتن آن پیدا می‌کند. تصور اولیه را قصد و میل و اشتیاق به ایجاد آن را رضا گویند.<sup>(۲)</sup>

لذا انجام عمل حقوقی معمول یک سلسله فعالیت‌های دماغی و درونی است که عبارتند از: (۱) تصور وجود عمل (۲) سنجش میزان نفع و ضرر و ملاحظه نیازمندیهای مادی و معنوی (۳) تصدیق لزوم انجام عمل و شوق باطنی (رضا) (۴) تصمیم (۵) اجرا (ایجاد عمل مورد نظر در عالم ذهن) که همان انشای عمل حقوقی یا قصد است.<sup>(۳)</sup> قصد در عقود باید اعلان شود؛ بر طبق ماده ۱۹۱ قانون مدنی<sup>(۴)</sup> در اعلان آن ضابطه خاصی وجود ندارد بلکه بر اساس قاعده بر اساس قاعده «العقود تابعه للقصود» تحقق عقد و تعیین نوع و آثار آن تابع قصد متعاملین می‌باشد که می‌توانند بوسیله لفظ، عمل، اشاره و غیره می‌باشد. سکوت وسیله اظهار اراده نمی‌باشد و آثاری ندارد.

طرفین معامله باید قصد انشاء یعنی ایجاد قرارداد داشته باشند. برای اینکه قصد انشاء تحقق یابد، باید طرف قرارداد قوه تمیز و درک داشته باشد، لذا اکراه و اشتباه به عنوان عیوب اراده در قانون مدنی شناخته شده و باعث عدم نفوذ معامله میگردد و همچنین بر طبق ماده ۱۹۵ قانون مدنی (اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است).

**۲) اهلیت طرفین:** اهلیت<sup>(۵)</sup> در لغت به معنای شایستگی است. اهلیت عبارت است از شایستگی انسان برای دارا بودن یا اجرای حق و تکلیف. بر طبق ماده ۹۵۸ ق.م. هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد. اهلیت بر دو نوع است: اهلیت تمتع و اهلیت استیفا.

اهلیت تمتع قابلیت دارا شدن حق است که با زنده متولد شدن شروع و با مرگ خاتمه می‌یابد. اهلیت استیفا یا تصرف یعنی شخص قابلیت اجرای حق خود را دارد. افرادی که اهلیت ندارند محجور نامیده می‌شوند. قانون مدنی در ماده ۱۲۰۷ خود سه دسته از افراد را فاقد اهلیت استیفا میداند: صغار، مجانین، اشخاص غیررشید.

لازم به یادآوری است که قانونگذار ممنوعیت اجرای حق و یا قبول تعهد در مورد

پاره‌ای از اشخاص را در جهت حمایت حقوق محجورین یا بنا به مصالح اجتماعی مقرر داشته است، لذا محجورین به واسطه ولی یا قیم خود در امور مالی خویش دخل و تصرف می‌نمایند و برای انعقاد قرارداد و انجام اعمال حقوقی تعهدآور وجود اهلیت استیفا ضروری است.

۳) موضوع معین که مورد معامله باشد: علاوه بر قصد و رضا و اهلیت متعاملین، موضوع معین که مورد معامله باشد به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معامله معرفی می‌شود.

مورد معامله باید معلوم و معین، قابل نقل و انتقال و تسلیم آن مقدور باشد و همچنین مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی و مشروع باشد.

۴) مشروعیت جهت معامله: ماده ۲۱۷ ق.م.بیان می‌دارد: در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شد باید مشروع باشد والا معامله باطل است.

منظور از کلمه مشروع در ماده فوق ممنوع نبودن از طرف قانون است. بنابراین هر عملی که از طرف قانون منع نشده باشد مشروع است. اغراض و دواعی عاقد که قائم به شخص بوده و جنبه خصوصی داشته و دخالتی در عقد ندارد، ممکن است اصل عقد مشروع باشد ولیکن غرض عاقد نامشروع بوده. مثل بیع انگور به قصد ساختن شراب.<sup>(۶)</sup>

جهت یا انگیزه تشکیل عقد گاهی با نظم عمومی تعارض پیدا می‌کند، در این صورت اعتبار بخشیدن به عمل حقوقی مزبور از سوی قانون که خود پاسدار نظم جامعه بوده در راستای فراهم کردن زمینه پیدایش اختلال در نظم می‌باشد. مثلاً معتبر و لازم‌الاجرا شناختن عقد بیع یک ساختمان که انگیزه خریداران آن تأسیس قمارخانه یا مکان فساد در آن ساختمان باشد.<sup>(۷)</sup>

لزوم مشروع بودن جهت معامله یکی از وسایلی است که می‌تواند رعایت اخلاق حسنه و احترام به قانون را در قرارداد تضمین نماید، ممکن است عقدی از حیث

سلامت اراده و اهلیت طرفین و موضوع معامله درست باشد ولی طرفین آن را وسیله تجاوز به قانون و اختلال در نظم عمومی قرار دهند و فقط لزوم مشروع بودن جهت می‌تواند از تبانی آنها بر امری نامشروع جلوگیری کند.<sup>(۸)</sup>

قانون مدنی یکی از مصادیق نامشروع بودن جهت معامله را معامله به قصد فرار از دین عنوان می‌نماید. معامله به قصد فرار از دین را نباید با معامله صوری اشتباه گرفت زیرا در معامله صوری اصولاً قصد انشای معامله که عامل سازنده و خالق عقد است وجود ندارد و صرفاً صورت ظاهری از عقد به منظور گمراه کردن اشخاص ثالث به نمایش گذارده می‌شود و بدیهی است چنین عقدی به دلیل فقدان قصد انشاء در عالم حقوق واقع نمی‌شود. در حالیکه معامله به قصد فرار از دین یک معامله واقعی است که طرفین آن دارای قصد انشای معامله هستند. منتهی انگیزه شخص انتقال دهنده آن است که واقعاً مال را از مالکیت خود خارج سازد تا طلبکاران نتوانند آن را در برابر طلب خویش بازداشت و بدهی خود را از محل انتقال آن استیفا کنند.<sup>(۹)</sup>

اعتبار قراردادهایی که مورد معامله کالای قاچاق است:

مصادیق معاملات مشروع و نامشروع و معیار آن تابع ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده و متفاوت است. مثلاً خرید و فروش مشروبات الکلی در قانون ایران از اساس باطل است، اما پاره‌ای مسائل مانند خرید و فروش مواد مخدر یا کالای قاچاق در قوانین کشورهای مختلف به عنوان یک معضل و مسأله مشترک می‌باشد.

### تعریف کالای قاچاق

کلمه قاچاق از کلمه ترکی «قاچماق» مشتق شده و به معنای ربوده یا برده است (لغتنامه دهخدا، ج ۱۸:۲۸). در لغتنامه دهخدا این کلمه «آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است» معنا شده است. در قانون بودجه سال ۱۳۸۱، نمایندگان مجلس شورای اسلامی تعریفی از قاچاق ارائه کردند مبنی بر اینکه همه کالاهایی که

بدون تشریفات قانونی و حقوق ورودی و عوارض متعلقه و خارج از مبادی رسمی کشور ( گمرک ) وارد یا خارج شود. این کالا در هر جا اعم از مرز، مبادی ورودی، انبارها در حین حمل و نقل یا در مراکز عرضه مشاهده شود، قاچاق محسوب می گردد. کالایی که شناسنامه نداشته باشد که از کجا آمده و تشریفات قانونی در آن رعایت نشده باشد نیز طبق قانون مصوب مجلس، قاچاق محسوب می شود. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشتمل بر ۷۷ ماده و ۷۹ تبصره در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳ تصویب شده است.

### قاچاق کالا و ارز

هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.

در این قانون کالا تعریف شده و به سه دسته تقسیم شده است:

کالا: هر شیء که در عرف ارزش اقتصادی دارد. (۱) کالای ممنوع: کالایی که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع شده است. (۲) کالای مجاز مشروط: کالایی که صدور یا ورود آن علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند به کسب مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی ربط قانونی است. (۳) کالای مجاز: کالایی است که صدور و یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به کسب مجوز ندارد.

به طور کلی قاچاق کالا را می توان به دو قسم تقسیم بندی نمود؛ الف) قاچاق کالاهای ممنوع یعنی موضوع آن از جهت قانونی اشکال داشته و ممنوع بوده است. مثل مشروبات الکلی و یا آلات و ادوات قمار و غیره. ب) قاچاق کالای مجاز به این معنی که دولت به دلیل نظم عمومی و امنیت اقتصادی مقررات و ضوابطی در آن قرار

داده است.

پدیده قاچاق کالا و ارز در ایران جدا از آثار سوء اقتصادی که به همراه دارد، از دیرباز به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی نیز مطرح بوده است. این پدیده علاوه بر اینکه به عنوان یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد است، هزینه‌های زیادی نیز بر بدنه اقتصادی و همچنین ساختار اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشور تحمیل می‌کند. قاچاق کالا از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد و از طرفی سبب خروج بی‌حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و دیگر هنجارهای اقتصادی-اجتماعی می‌شود.

در اقتصاد سالم، تمامی فعالیت‌های اقتصادی ثبت و ضبط می‌شود اما دسته‌ای از فعالان اقتصادی مایل به چنین امری نیستند که همین امر زمینه‌ساز شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه است. قاچاق کالا و از مهم‌ترین مصداق اقتصاد زیرزمینی است که نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل کرده، تصمیم‌گیری اقتصادی را با مشکل مواجه ساخته و سیاست‌گذاری‌ها را بی‌اثر می‌سازد. در بسیاری از موارد، قاچاق کالا و ارز بیش از مبادلات قانونی است و عملاً عنان بازارهای کشور، به ویژه در صنایع های تک (High-tech) که محصولاتی کم حجم اما گران‌قیمت و پرتقاضا دارند در اختیار افراد و گروه‌هایی است که نه تنها نقشی در رشد شاخص‌های اقتصادی ندارند بلکه مهم‌ترین عوامل سقوط و انحطاط اقتصادی و اجتماعی کشور نیز محسوب می‌شوند.<sup>(۱۰)</sup>

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، قاچاق کالا و ارز آسیب‌های جدی بر اقتصاد کشور گذاشته و با خدشه‌دار کردن اهداف حمایتی دولت موجب از بین رفتن آثار سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای دولت می‌شود، ضمن آنکه عدم پرداخت حقوق دولت از سوی قاچاقچیان موجب کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع، کاهش حجم فعالیت‌های تولیدی در داخل کشور و در نتیجه کاهش اشتغال می‌شود و با توجه به آنکه صنایع تولید داخلی



مجبورند زیر ظرفیت خود فعالیت کنند، در نتیجه قیمت تمام شده تولیدات بالا رفته منجر به افزایش تورم در داخل کشور می‌شود.

با دید اجتماعی و بر مبنای اداره قرارداد، اجرای مفاد قرارداد هم از نظم عمومی و اخلاق متأثر می‌شود و از حکومت مطلق تراضی فاصله می‌گیرد. به عنوان مثال طرف قرارداد نمی‌تواند از حق خود به گونه‌ای استفاده کند که اخلاق اجتماعی ناروا می‌بیند. اصل ۴۰ قانون اساسی در این باره اعلام می‌کند: «هیچ‌کس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» این اصل هنوز ناشناخته مانده است، در حالیکه اگر ماهرانه و به جا به کار رود از بسیاری خودخواهی‌ها می‌کاهد و حقوق و تعهدات را در مسیر اخلاقی و مفید قرار می‌دهد.<sup>(۱۱)</sup>

### عوامل مؤثر در ایجاد قاچاق کالا و ارز

قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای چند وجهی است، بنابراین عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش دارند که شناسایی این عوامل به ارائه راهکار مناسب جهت برخورد با این پدیده شوم اقتصادی کمک می‌کند. از مهم‌ترین عوامل اقتصادی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- سودآوری بالای کالای قاچاق در مقابل ریسک پایین آن
- پرداخت یارانه به برخی از کالاها در داخل کشور
- بالا بودن تعرفه‌های گمرکی
- کیفیت پایین کالاهای تولید داخل
- بورکراسی و ساختار اداری ناکارآمد
- محرومیت ساکنان نقاط مرزی

سودآوری بالای قاچاق کالا از مهم‌ترین دلایل گرایش به این پدیده است. این سود ناشی از تفاوت قیمت‌ها در بازار داخل با کشورهای همجوار است. سودهایی که از

صادرات غیررسمی برخی کالاهای یارانه‌ای (نظیر فرآورده‌های نفتی، دارو، شوینده‌ها؛ آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی، گندم و دیگر کالاهای اساسی) کسب می‌شود به قدری انگیزه در افراد ایجاد کرده که با وجود تعیین جرائم سنگین باز اقدام به قاچاق کالا می‌کنند. مهمترین پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز را نیز می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد:

- شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی
  - کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه
  - کاهش سطح تولید ناخالص ملی
  - کاهش اشتغال
  - هدر رفتن منابع ارزی کشور
  - توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی
  - کاهش رفاه مصرف‌کنندگان
- برای مثال قاچاق، باعث کسری درآمد ملی می‌شود و بر ساختار داخلی جامعه با ایجاد مؤسسه‌های قدرتمند غیرقانونی تأثیر می‌گذارد و همچنین الگوها و شیوه‌های مصرف را تغییر می‌دهد. بنابراین قاچاق کالا ممکن است تأثیر منفی بر شاخص‌های رسمی مانند رشد و توزیع درآمد داشته باشد. به طور کلی می‌توان گفت قاچاق از نیروهای اولیه عرضه و تقاضا پدید می‌آید.
- طول مرزهای بین‌المللی در حال حاضر ۷۸۱۶ کیلومتر است. ایران با داشتن ۱۵ استان مرزی و ۱۵ کشور همسایه با جغرافیای متنوع طبیعی و انسانی، همواره از مناطق مرزی خود به عنوان یکی از ناامن‌ترین مناطق از نظر شیوع و فراگیری قاچاق مواجه بوده است. در همین زمینه، وجود تهدیدات نظامی دائمی علیه تمامیت ارضی توسط برخی کشورهای همسایه، تردهای غیرقانونی اتباع مهاجر، گروه‌های معاند و قاچاقچیان در کنار توسعه نیافتگی مناطق مرزی را به عنوان یکی از نقاط بحران‌خیز

تبدیل کرده است. تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرض‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیشتر استان‌های مرزی گرفتار آن هستند و پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. در پژوهشی به بررسی تأثیرات اقتصادی قاچاق کالا در مریوان به عنوان یک شهر مرزی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد سهم درآمدهای حاصل از فعالیت‌های کشاورزی از کل درآمدهای ساکنان این منطقه ۱۱/۴ درصد، از دامداری ۹/۶ درصد، درآمدهای صنعتی ۵ درصد، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های خدماتی ۲۲ درصد و درآمد حاصل از فعالیت‌های قاچاق کالا ۴۲ درصد بوده است.<sup>(۱۲)</sup>

### بررسی شرایط صحت عقد در قراردادهای راجع به قاچاق کالا و ارز

معاملات کالای قاچاق و ارز از لحاظ رعایت بندهای (۱) و (۲) و (۳) ماده ۱۹۰ ق.م.مشکلی نداشته چنانکه عنصر قصد و رضا، معین بودن مورد معامله و اهلیت طرفین اصولاً موجود است مگر خلاف آن ثابت شود. اما با توجه به صراحت بند (۴) ماده ۱۹۰ و همچنین ماده ۳۴۸ ق.م. قاچاق کالا و ارز از جهت موضوع غیرقابل انتقال بوده و مشروعیت ندارد. در جرم‌انگاری این معاملات به دلیل وضعیت خاص مبیع و همچنین آسیب‌های اجتماعی که به بار می‌آورد باعث بطلان قرارداد می‌شود.

با توجه به تعریف قانون مبارزه با قاچاق؛ ماده ۱ بند ۱ برخی کالاها که ذاتاً نامشروع و ممنوع هستند. در اینگونه موارد هیچ شکی در مورد بطلان وجود ندارد و بحث مصرف‌کننده و خریدار با حسن نیت و یا آگاه از عدم مشروعیت مطرح نمی‌باشد. در ماده ۱۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مجازات راجع به اینگونه کالاها سنگین‌تر از مجازاتی است که برای قاچاق سایر کالاها و ارز در نظر گرفته شده است و مجازات حبس به همراه دارد.

اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود مربوط به بحث حمایت از حقوق

مصرف‌کننده با حسن نیت می‌باشد، یعنی شخصی که از قاچاق بودن کالا بی‌اطلاع است و آن را خریداری می‌نماید و کالا هم جزء موارد ذاتاً نامشروع نیست، در اینجا آیا میتوان دامنه بطلان را محدود به مواردی کرد که کالا و ارز از ید قاچاقچی خارج نشده است؟

در حقوق ایران بعد از طرح مفهوم مصرف‌کننده و ضرورت حمایت از او در دکترین حقوقی، قوانینی در این خصوص به تصویب رسید و در کنار برخی سازمان‌ها که پیش از این وجود داشت مجموعه‌ای از حقوق را به همراه ضمانت‌اجراهای آن برای مصرف‌کننده به وجود آورد. مهم‌ترین متن قانونی در این خصوص را باید قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان دانست که در تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۱۱ به تصویب رسیده است. علاوه بر این قانون، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، قانون تأسیس سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و آیین‌نامه‌های آن را نیز باید به عنوان قوانین مرتبط نام برد. همچنین برخی قوانین به صورت خاص و موردی به حقوق مصرف‌کنندگان اشاره دارند؛ قانون نظام صنفی از این قبیل است.

در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان حقوقی برای مصرف‌کننده به رسمیت شناخته شده و تشکل‌ها و نهادهایی برای نظارت بر اجرای این حقوق پیش‌بینی شده است. حق بر صحت و سلامت کالا، تسلیم ضمانت‌نامه و صورت‌حساب فروش به مصرف‌کننده، تعهد به دادن اطلاعات از سوی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منع فروش اجباری؛ تکلیف ارائه خدمات پس از فروش طریق تأسیس نمایندگی رسمی و تعمیرگاه مجاز و تأمین قطعات یدکی و ارائه سرویس و خدمات پس از فروش برای عرضه‌کنندگان از جمله حقوقی است که در این قانون برای مصرف‌کننده به رسمیت شناخته شده است.

مصرف‌کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالایی را برای رفع نیاز شخصی، اشخاص تحت تکفل، تحت اداره و میهمانان خود خریداری کرده یا مورد



استفاده قرار می‌دهد.

در مورد فروشنده‌ای که حسن نیت دارد تنها مسترد کردن بهای دریافتی کالا کفایت می‌کند و فروشنده دارای سوءنیت مسئول جبران خسارت وارده نیز است. قاچاقچیان و کلیه افرادی که به عنوان دست‌های واسطه در رسیدن کالا به مشتری نقش دارند همان فروشندگان با سوءنیت هستند.

در یکی از بزرگترین پرونده‌های قاچاق، تعداد زیادی از خودروهایی که پس از ورود غیرقانونی به کشور شماره شده و به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار شده بود، به دستور بازپرس رسیدگی کننده از دست مصرف‌کنندگانی که خودرو را خریده بودند و هیچ اطلاعی از ماجرای ورود غیرقانونی آن نداشتند، توقیف گردید. تلقی بازپرس مربوطه در توجیه اقدام خود این بود که کالای قاچاق نزد هر شخص که یافت شود، کالای موجود محسوب و باید ضبط و مصادره شود. این طرز تلقی بدون شک منحصر به پرونده مزبور نبوده و چه بسا در پرونده‌های دیگری نیز به همین نحو عمل شده باشد. اینگونه تصمیمات قضایی علاوه بر اینکه موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به بازار می‌شود، در واقع نوعی اعمال قوانین واردات و صادرات گمرکی بر مصرف‌کننده نیز محسوب می‌گردد. (۱۳)

مالکیت مصرف‌کننده بر کالاهای مجازالتجاره که هنگام خرید، از ورود غیرقانونی یا با پرداخت حقوق و عوارض دولتی آن اطلاع نداشته، مشروع و قانونی است. کالایی که غیرمجاز وارد کشور شده است، پس از عرضه در بازار که بدون مانع قانونی مورد معامله واقع می‌شود، نسبت به کسانی که علم و آگاهی در مورد سابقه و چگونگی واردات آن کالا ندارند، وصف قاچاق را از دست داده و کالای قاچاق محسوب نمی‌شود. مصرف‌کننده‌ای که به این ترتیب کالایی را از بازار خریداری می‌کند، نه تکلیفی دارد که از سابقه و چگونگی ورود کالا تحقیق و جستجو کند و نه با این اقدام مرتکب جرم و تخلفی شده است.

ضبط کالای قاچاق وقتی جایز است که اولاً عنوان قاچاق بر کالا صدق نماید؛ ثانیاً عین کالا در مالکیت قاچاقچی باقی باشد. بعد از آنکه کالای مجازالتجاره به مصرف کننده رسید، نه وصف قاچاق بر کالای مزبور صدق می‌کند و نه کالا در مالکیت قاچاقچی است. بنابراین منظور از عبارت «در صورت نبودن عین مال» که در ماده ۱ اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق و موارد مشابه ذکر شده است، به معنای وجود خارجی و فیزیکی کالا نیست، باید قیمت کالای قاچاق به دولت پرداخت شود. به این ترتیب ضبط کالا از دست مصرف کننده‌ای که مجرم نیست و همین‌طور نادیده گرفتن حقوق مالکانه اشخاص نسبت به کالاهای مورد بحث، فاقد مبنا و توجیه حقوقی می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق؛ مصرف کننده در خرید کالای مورد بحث مجرم نیست. ضبط کالا نوعی مجازات است که فقط بر مجرم تحمیل می‌شود. تسری مجازات بر غیر مجرم بر خلاف قانون و اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. به موجب مواد ۱ و ۳۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق و قوانین دیگری که ناظر بر قاچاق کالا است و نیز به استناد ماده ۱ اصلاحی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴، فقط کسی که مرتکب قاچاق شده به رد مال محکوم می‌شود. مطابق بند (ب) ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی؛ اگر ادارات یا سازمان‌های ذی‌ربط کالا را از دست کسی ضبط نمایند که مجرم نباشند، با اثبات برائت متهم، اصل کالا به وی مسترد می‌گردد. بنابراین ضبط کالا باید همراه با احراز مجرمیت صاحب کالا باشد. مجرم زمانی از عهده رد مال بر می‌آید که مالک و متصرف مال باشد در غیر اینصورت مطابق همین مقررات باید بهای مال را به صندوق دولت بدهد. لذا مجوزی برای توقیف و ضبط مالی که از مالکیت خارج و در مالکیت دیگران مستقر شده است، وجود ندارد.

قاچاقی بودن کالا صفت ذاتی کالا نیست زیرا وصف قاچاق تابعی از برخی

اقدامات غیر قانونی است که فقط در شرایط خاص این عنوان بر کالا اطلاق می‌شود. با خارج شدن کالا از ید و استیلای متخلف و استقرار آن در مالکیت اشخاص، دیگر عنوان قاچاق بر کالای موصوف صدق نمی‌کند. نحوه استدلال در رأی وحدت رویه شماره ۲۹-۱۳۶۴/۹/۲۶ هیأت عمومی دیوانعالی کشور که پیشتر به آن اشاره شد، مؤید این مطلب است که کالا فقط در شرایط خاصی ممکن است قاچاق محسوب شود. رأی شماره ۴۰ مورخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بند یک مصوبه شماره ۲۴۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۴/۲۵ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز از جهت نحوه استدلال مؤید همین معناست که کالا پس از ترخیص از گمرک فاقد وصف و عنوان کالای قاچاق می‌باشد. بخشی از متن رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به این شرح است: «مطابق جزء (۷) بند (ر) تبصره ۱۹ قوانین بودجه سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ واردات کالا به صورت تجاری از طریق تسهیلات در نظر گرفته شده در مقررات برای کالاهای مورد مصرف شخصی، از قبیل همراه مسافر، گذر مرزی و ملوانی ممنوع شده است. نظر به اینکه کالاهای مزبور پس از ترخیص از گمرک فاقد وصف و عنوان کالای قاچاق می‌باشد و در مالکیت مشروع اشخاص قرار دارد و سلب حق نقل و انتقال آن به اشخاص ثالث خلاف احکام صریح مقنن در باب اعتبار مالکیت مشروع اشخاص و اصل تسلیط است، بنابراین اطلاق مفاد بند یک مصوبه شماره ۲۴۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۴/۲۵ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در قسمتی ممنوعیت انتقال و فروش کالای مورد نظر قانونگذار پس از ترخیص از گمرک به اشخاص ثالث و بی‌اعتباری کارت سبز همراه مسافر برای انجام معامله کالای مذکور است، خلاف هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».

اصل بر اعتبار و مشروعیت مالکیت اشخاص است، نه تنها اعتبار مالکیت نیازی به

اعلام نظر مقنن ندارد، بلکه با مجاز بودن خرید و فروش کالا و بنابر اصل تسلیط، مالکیت اشخاص بر اینگونه کالاها مشروع و معتبر می‌باشد. به علاوه اقدام به ضبط مال مستلزم نامشروع دانستن مالکیت اشخاص و نیازمند حکم صریح قانونگذار است.

ضبط مال از غیر مجرم، در واقع نوعی تخفیف و معافیت مجازات مجرم اصلی است. زیرا در صورت عدم ضبط مال، مجرم اصلی باید از عهده پرداخت بهای کالا به صندوق دولت برآید. در حالیکه با ضبط مال مجرم از این تکلیف قانونی خلاص می‌شود. در مقابل؛ دولت که وظیفه جلوگیری از قاچاق را دارد و به دلیل قصور و کوتاهی عوامل اداری و انتظامی ذریبط کالای قاچاق وارد بازار مصرف شده، با ضبط کالا از دست مصرف‌کننده راه ساده را در پیش گرفته و گرفتاری اقامه دعوا و مطالبه خسارت و امکان رسیدن به حق و احتمال عدم دسترسی به مال را بر مصرف‌کننده بیگناه تحمیل می‌کند.

به موجب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴؛ تکلیف ضبط کالای قاچاق به اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت یا سازمان‌هایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق شاکی محسوب می‌شوند، محول شده است. ادارات مزبور در صورت کشف کالای قاچاق نسبت به ضبط آن اقدام می‌نمایند. بدیهی است که چنین اداره‌هایی حق ندارند از دست اشخاصی که دخالتی در ارتکاب جرم قاچاق نداشته‌اند، کالای در دست آنها را ضبط نمایند.

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام فقط ناظر بر چگونگی اقدامات مراجع مربوطه در مواجهه شدن با قاچاق می‌باشد و مفهوم عنوان قاچاق و شرایط و اوصاف آن را که در قانون مجازات مرتکبین قاچاق پیش‌بینی شده است، تغییر نداده است. نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص که در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ به تصویب این مجمع رسیده نیز مؤید این معنا است.



نظریه مشورتی شماره ۷/۳۰۹۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این نظریه است که ضبط کالا باید با احراز مجرمیت صاحب کالا ملازمه داشته باشد. در نظریه مشورتی مذکور آمده است: «چنانچه عوارض گمرکی و حقوق دولتی کالایی که وارد کردن آن مجاز است پرداخت نشود، مرتکب آن به عنوان مباشر جرم قابل تعقیب است، چون پرداخت عوارض و وظیفه واردکننده آن است. تعقیب ایادی بعدی از جمله خریدار و جابجا کننده منوط به علم و اطلاع آنان از قاچاق بودن کالا است. چنانچه از سابقه امر بی اطلاع باشند، دادگاه در صورت احراز؛ ضمن صدور حکم برائت اموال مورد معامله را به آنان مسترد می نماید. بدیهی است در صورت شناسایی مباشر جرم قابل تعقیب است و دادگاه پس از احراز و اثبات بزه معادل مبلغ کالایی که قاچاق محسوب شده است اتخاذ تصمیم خواهد نمود».

علم و آگاهی قاچاق بودن کالا شرط مجرمیت به ارتکاب عمل قاچاق می باشد. مصرف کننده تکلیفی ندارد که بداند کدام کالای عرضه شده در بازار از مجاری قانونی وارد شده و کدام کالا حقوق دولتی آن پرداخت شده است. ماده واحده تفسیر قسمت دوم ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق به همین نکته اشاره داشت که هرگاه اشیاء ممنوع‌الورود را اشخاص در داخل کشور برای تجارت یا کسب و با علم به اینکه به صورت ممنوع وارد شده نقل و انتقال نموده یا واسطه در آن امر شوند نیز قاچاق محسوب می شود. در مورد کالاهای ممنوع‌التجاره، فرض بر این است که همه از ممنوعیت معامله و خرید و فروش آن آگاهی دارند. اما در مورد کالاهایی که ممنوع‌التجاره نیست و اینگونه کالاها به وفور در بازار وجود دارد، نمی توان چنین فرضی قائل شد. تازه ترین رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور که به شماره ۶۸۴ به تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۰۴ صادر شده است، به این نکته اشاره شده است که خرید کالای مکشوفه که در داخل کشور اشباه و نظائر آن در بازار داخلی به حد وفور وجود دارد و جزء کالای ممنوع‌الورود و خروج نمی باشد، فاقد وصف کالای قاچاق

است و ضبط آن محمل قانونی ندارد. این رأی در حالی صادر شد که نظر دادستان کل کشور کاملاً بر خلاف عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان بود. با توجه به اهمیت این رأی که خود بیانگر پیچیدگی موضوع می باشد، بخش‌هایی از آن در اینجا نقل می‌شود. خلاصه‌ای از جریان پرونده‌ها و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور چنین است: (۱) در پرونده ۶۸۴/۷۹ مأمورین انتظامی تعداد ۶۷ دستگاه تلفن پانافن آشپزخانه و ۲۰۰ ساعت رومیزی کوچک کالای قاچاق مشاهده می‌نمایند و از طرف گمرک دستور ضبط کالاهای مذکور صادر می‌شود. متهم به این توضیح که اجناس را در بازار بندرعباس خریداری کرده و مغازه‌ها این اجناس را برای فروش دارند و بدون آگاهی از قاچاق بودن، برای امرار معاش آن را خریده است، به اقدام گمرک اعتراض نموده و دادرس دادگاه انقلاب نائین پس از استماع مدافعات متهم با احراز اینکه کالای مکشوفه خارجی و صاحب آن به حمل اعتراف کرده و مدارک قانونی که مفید بی‌اطلاعی از قاچاق باشد ارائه نکرده، تصمیم اداره گمرک نائین را مبنی بر ضبط کالا به نفع دولت تأیید نموده و شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان نیز این رأی را به همان کیفیت ابرام می‌نماید.

(۲) در پرونده ۷۲۳/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۷ مأمورین انتظامی نائین ۲۳۵ دستگاه ماشین اسباب بازی کشف می‌کنند که به دلیل خارجی بودن کالا به گمرک ارسال و سپس به دستور گمرک ضبط می‌شوند. متهم در دادگاه اظهار داشته اسباب بازی را از بازار بندرعباس خریداری نموده و علم به قاچاق بودن آن نداشته است. دادگاه انقلاب نائین پس از استماع اظهارات متهم با توجه به اقرار وی به حمل کالا و احراز وقوع بزه به استناد بند (الف) ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، تصمیم گمرک را به ضبط کالا تأیید می‌نماید، اما پس از اعتراض محکوم علیه شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان با این استدلال که متهم حسب فاکتور ارائه شده کالای مکشوفه را در بندرعباس و داخل کشور خریداری کرده و نظائر آن در بازار



داخلی به حد وفور وجود دارد و جزء کالای ممنوع‌الورود نمی‌باشد و نتیجتاً عمل متهم فاقد وصف کالای قاچاق است و ضبط آن محمول قانونی ندارد، رأی شعبه بدوی را نقض و حکم به استرداد کالای مکشوفه به صاحب آن صادر می‌نماید.

از نظر دادستان کل کشور کالای مکشوفه در داخل کشور که ورود آن مشروط به تحقق شرایطی بوده و یا موضوع درآمد دولت بوده و ورود یا عرضه آن مستلزم پرداخت حقوق دولتی و عمومی است در صورتی که حامل یا صاحب آنها واردکننده از مبادی ورودی و مجاری قانونی در کشور نباشند، در صورتی که به تشخیص مراجع ذیصلاح غیرمجاز و یا به تشخیص گمرک دارای جنبه تشخیص تجاری باشد، مشمول مقررات قاچاق خواهد بود و طبق رأی وحدت رویه شماره ۵/۱۳۶۱/۱۲/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به فرض وجود اشباه و نظائر آن در بازار داخلی رافع مسئولیت مرتکب نخواهد بود، خصوصاً این که مبارزه با پدیده قاچاق از ارکان سیاست کلی نظام در عرصه اقتصادی بوده و به تصریح مندرجات بند چهارم فرمان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس جمهور وقت در تاریخ ۱۳۸۱/۰۴/۱۲ که مقرر می‌دارد: «عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاق برای قاچاقچی کاملاً برخلاف صرفه و همراه با خطر باشد و جنس قاچاق از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار آماج اقدامات گوناگون این مبارزه قرار گیرد و قطعاً قوه قضاییه در این مبارزه وظیفه خطیری دارد که ایفای آن وظیفه را وجه همت خود قرار داده است.» بدین جهت رأی شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که قاچاق بودن اموال، اجناس و کالاهایی که به تشخیص گمرک واجد جنبه تجاری بوده و بدون ارائه دلیل پرداخت حقوق دولت و سایر مجوزهای قانونی حمل و نقل و یا عرضه شده تأیید نموده است منطبق با اصول و موازین قانونی تشخیص و مورد تأیید است، ولی هیأت عمومی دیوان عالی کشور بر خلاف نظر دادستان کل، با تأیید رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان چنین رأی داد: «به موجب قانون مجازات مرتکبین قاچاق، هرکس در مورد مالی که موضوع

درآمد دولت باشد مرتکب قاچاق شود قابل تعقیب جزائی است، لیکن چنانچه عمل ارتكابی مرتکب واجد جنبه تجاری نبوده و کالای مکشوفه برحسب عرف از نظر مقدار در حدود مصرف شخصی باشد و در مبادی ورودی کشور کشف نشود و امثال آن در بازار به حد وفور در دسترس باشد و مرتکب عالم به قاچاق بودن کالا نباشد، مورد فاقد جنبه جزایی است. بنابراین رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که با این نظر منطبق است به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.»

### نتیجه گیری

قراردادهای قاچاق کالا و ارز از لحاظ حقوقی و قواعد عمومی قراردادهای فاقد شرایط صحت معاملات می‌باشد. در واقع چهار شرط اصلی در ماده ۱۹۰ ق.م ذکر شده است که وجود تمامی آنها برای صحت قرارداد ضروری است و قراردادهای مورد بحث فاقد شرط چهارم یعنی مشروعیت جهت می‌باشد. شرط عدم مشروعیت یا به دلیل ذات کالا است که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است و یا به دلیل ممنوعیت و محدودیتی که دولت مقرر نموده و رعایت نشده است. در هر حال حکم حقوقی این معاملات بطلان است و تفاسیری که در جهت حمایت از حقوق مصرف کننده با حسن نیت انجام شده است به دلیل آمره بودن قواعد راجع به قراردادهای تباه مقاوت در برابر حکم بطلان را ندارند. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز تفکیکی میان مصرف کننده آگاه و ناآگاه قائل نشده است. در هر حال تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و تهیه شناسنامه ملی که به عنوان کد رهگیری جهت اصالت کالا عمل مینماید و اعمال قواعد سخت و دقیق بر واردکنندگان و صادرکنندگان کالا در مبادی مرزی و ورودی و خروجی کالا گامی مهم و اساسی در جهت حمایت از حقوق مصرف کننده و اجتناب از پیامدهای ناگوار قاچاق بر اقتصاد جامعه می‌باشد..

## پیشنهادها

۱. در مواد قانون قاچاق کالا و ارز هیچ‌گونه اشاره‌ای و تفاوتی بین حالاتی که کالا و ارز در دست قاچاقچی یا مصرف‌کننده با حسن نیت باشد، نشده است و به طور کلی قواعد کیفری را بر این معاملات مترتب نموده است و در نتیجه جزء معاملات نامشروع محسوب می‌گردد.

تفکیک قائل شدن میان حالاتی که کالا در دست مصرف‌کننده باشد یا قاچاقچی نه تنها رسیدگی به پرونده‌های قاچاق را پیچیده می‌کند بلکه راه سوءاستفاده را باز می‌گذارد و چه بسا با ادعای حسن نیت و عدم اطلاع از قاچاقی بودن کالا و همدستی با قاچاقچیان وسیله فرار آنها از قانون فراهم شود. کما اینکه احراز آگاهی یا عدم آگاهی خریدار و مصرف‌کننده از قاچاق و ممنوعیت کالا امری سخت و گاه غیرممکن است.

در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌بایست کاری اساسی‌تر از اینگونه تفاسیر انجام شود و اقداماتی که در جهت تدوین این نامه‌های اجرایی این قانون صورت گرفته است از جمله لزوم نصب برچسب بر روی کالاهای مجاز، سامانه جامع حمل و نقل از اقدامات مؤثری است که در این زمینه صورت گرفته است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ۱۳۸۵، انتشارات مجد، چاپ پنجم، ص ۱۲۵.
۲. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، ۱۳۵۶، کتابفروشی اسلامیة، چاپ ششم، ص ۱۸۰.
۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، ۱۳۸۸، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۵۵.
۴. ماده ۱۹۱ قانون مدنی: عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.
۵. المنجد: ریشه اهل
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ص ۳۸۶.
۷. پیشین، شهیدی، مهدی، ص ۴۴۸.
۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و یکم، ص ۲۸۷.
۹. پیشین، شهیدی، مهدی، ص ۳۴۸.
۱۰. بیابانی، غلامحسین؛ موسوی، احمد، قاجاق کالا و اثرات آن بر اقتصاد، ۱۳۸۹، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال ششم، صص ۶۸-۸۳.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، گامی به سوی عدالت، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات میزان، ص ۴۱۴.
۱۲. کهنه‌پوشی، سیدهادی؛ شایان، حمید، بررسی تأثیرات اقتصادی قاجاق کالا بر شهرهای مرزی مصالحه موردی شهر مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۹، سال ۱۳۹۲، ص ۵۱.
۱۳. شبانی‌فر، احمد، ۱۳۸۸، کالای قاجاق و حقوق مصرف‌کننده، هفته‌نامه سیروان، ص ۲۰.

## منابع و ماخذ

۱. قانون مدنی.
۲. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۳. المنجد.
۴. لغتنامه دهخدا.
۵. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، ۱۳۵۶، کتابفروشی اسلامیة، چاپ ششم.
۶. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ۱۳۸۵، انتشارات مجد، چاپ پنجم.
۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، ۱۳۸۸، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۸. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ۱۳۸۳، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و یکم.
۹. کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، جلد سوم، ۱۳۸۷، انتشارات میزان، چاپ اول.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، ۱۳۸۶، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۱۱. کهنه‌پوشی، سیده‌ادی؛ شایان، حمید، بررسی تأثیرات اقتصادی قاچاق کالا بر شهرهای مرزی مصالحه موردی شهر مریوان، ۱۳۹۲، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم.
۱۲. شبانی‌فرریا، احمد، کالای قاچاق و حقوق مصرف‌کننده، ۱۳۸۸، هفته‌نامه سیروان.
۱۳. بیابانی، غلامحسین؛ موسوی، احمد، قاچاق کالا و اثرات آن بر اقتصاد، ۱۳۸۹، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال ششم.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ